

شیطان دستور دین جدید می دهد

او هر چه کرد که مال دنیا را به دست آورد و به زندگی خود رونقی بخشد، ممکن نشد. در راه حلال کوشش کرد به دست آورد نشد، از راه حرام باز نشد!

شیطان پیش او آمد و گفت: ای فلانی! تو نتوانستی دنیا را نه از راه حلال و نه از راه حرام به دست آوری. آیا می خواهی تو را راهنمایی کنم به کاری که دنیای تو رونق پیدا کند و همه از تو تبعیت نمایند؟

در جواب گفت: بلی! شیطان گفت: برو برای خود دینی انتخاب کن و مردم را به آن بخوان. او هم همان کار را کرد. مردم دور او را گرفتند و از وی حمایت کردند، دنیا هم به او روی آورد. بعد از مدتی به اشتباه خودپی برد و گفت: چه کار خلاقی کردم، مردم را گمراه و از دین حق بیرون کردم. دیگر توبه ام قبول نمی شود مگر آن که کسانی را که گمراه کرده ام، آگاه کنم و به راه راست برگردانم.

آنها را گرد آورد و برایشان صحبت کرد و گفت: ای مردم! این دینی که من شما را بدان دعوت کردم، دین باطلی بود و من آن را به وجود آورده بودم. آن را رها کنید و به دنبال حق و حقیقت روید. آنها در جواب گفتند: تو دروغ می گویی، همان دین، حق است! تو درباره آن شک کرده ای و از آن برگشته ای. آن شخص وقتی چنین دید، زنجیری به گردن خود انداخت و میخ هایی به آن زنجیر بست و گفت: من خودم را باز نمی کنم تا این که خداوند توبه مرا بپذیرد.

خداوند به پیغمبر آن زمان وحی کرده که: ای پیامبر! به فلانی بگو: قسم به عزت و جلالم، اگر آن قدر مرا بخوانی تا بند بندت از هم جدا شود، توبه ات را قبول نمی کنم، مگر این که آن کسانی را که با این دین از دنیارفته اند، زنده کنی و از گمراهی نجات دهی. (۳۵)

تمثل شیطان به صورت انسان

از ثعلبه بن زید انصاری نقل شده که گفت: از جابر عبدالله انصاری شنیدم، می گفت: ابلیس چهار بار به صورت چهار نفر مجسم شد.

اول به صورت سراقه بن جعشم:

در جنگ بدر به صورت سراقه در آمد و به کفار قریش گفت: امروز هیچ کس بر شما غالب نخواهند شد، زیرا شما با داشتن این همه نفرات و سازو برگ جنگی ارتشی شکست ناپذیر هستید. وانگهی من نیز در کنار شما هستم و به وقتش چون یک همسایه وفادار و دل سوز از هیچ گونه حمایتی دریغ ندارم. (۳۶)

دوم به صورت منبه بن حجاج:

در روز عقبه به قیافه او در آمد و فریاد کرد: ای یاران! محمد و کسانی که از دین برگشتند کنار عقبه اند. آنها را دریابید. حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم به انصار فرمود: نترسید! چون صدای او به کسی نمی رسد. (۳۷)

سوم به صورت پیرمردی از اهل نجد:

روزی که کفار مکه در «دار الندوه» برای مشورت در مورد قتل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم اجتماع کردند، شیطان به صورت پیرمرد نجدی وارد مجلس شد و دستورهای لازم را در این باره داد. خداوند او را آگاه کرد و فرمود: به یاد بیاور زمانی را که مشرکان مکه نقشه می کشیدند تو را یا به زندان اندازند یا به قتل رسانند و یا تبعید کنند، و چاره اندیشی می کردند، ولی خدا نقشه آنان را نقش بر آب کرد. (۳۸)

چهارم به صورت مغیره بن شعبه:

روزی که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم رحلت فرمود، آن لعین به صورت مغیره در آمد و در میان مهاجر و انصار فریاد زد: ای مردم! خلافت را مانند پادشاهان ایران و قیصران روم قرار دهید. هر کس بعد از خود آن را به فرزندان یا خویشانش وصیت کند و آن را در

اختیاربنی هاشم قرار ندهد تا آنها هم در اختیار فرزندان خود قرار دهند. (۳۹)

آن ملعون برای این که با پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم مخالفت نماید و ایشان را از بین ببرد، در این چهار جا به صورت انسان در آمد.

↑ فرست

→ قبل